

همسازی اصول و بنیان خانواده در اسلام و سیاست حقوقی ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

تایید: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱

امیر ذوالفقاریان^۱سیدحسین حسینی^۲پرینسا نژادی^۳

چکیده

خانواده، در دین اسلام به عنوان یکی از لوازم حیات جوامع اسلامی و سازنده خرده‌نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... معرفی شده است. اهداف و شاخص‌هایی که موجب تشکیل خانواده و بقا و تمایز آن از دیگر تشکلهای بشری می‌شود و ریشه در نیازهای مادی و معنوی انسان دارد، اصول و بنیان‌های خانواده را تشکیل می‌دهد. در جمهوری اسلامی ایران به تاسی از دین مبین اسلام، قوانین مدنی و سیاست‌های کلی متعددی در راستای تحکیم و تقویت کیان خانواده وضع گردیده است. برخی از این قوانین، متکفل زیرساخت‌های حقوقی و برخی نیز سیاست‌های حمایتی برای اجرای قوانین مربوطه است. مقاله پیش رو، به بررسی و مقایسه اصول و بنیان خانواده از منظر فقه اسلام و آنچه در حقوق ایران تدارک دیده شده، پرداخته است. مسأله اصلی این پژوهش، بررسی و تطبیق همسازی سیاست‌ها و قوانین جاری کشورمان با آموزه‌های اسلام، با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: اصول خانواده، آموزه‌های اسلام، حقوق ایران، سیاست‌های کلی، نظام اسلامی.

^۱ عضو کانون وکلای دادگستری استان سمنان (نویسنده مسئول).

^۲ رییس کانون وکلای دادگستری استان سمنان.

^۳ عضو کانون وکلای دادگستری استان سمنان.

۱. مقدمه و بیان مسأله:

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، مفهومی انتزاعی است که در محدودترین گستره مفهومی خود، با ازدواج و ایجاد رابطه زوجیت میان مرد و زن، در قالب یک واحد حقوقی لاقول دونفره، شکل می‌یابد. یکی از عمومی‌ترین تعاریف نظری خانواده، عبارت است از: «گروهی از افراد که از طریق روابط نَسَب یا سبب و رضاع، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط نزدیک هستند و فرهنگ و اجتماع مشترکی به وجود آورده‌اند». به طور قطع، مهم‌ترین اعضای خانواده را زن و شوهر تشکیل می‌دهند که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش، با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و به وسیله این پیوند، فرزند و یا فرزندان به دنیا می‌آورند (بهشتی، ۱۳۶۱، ص ۴). در ادامه، با ازدواج فرزندان و تبدیل خانواده به شاخه‌های متعدد و بزرگ، خصوصیات و ویژگی‌هایی از خانواده اصلی به شاخه‌های بعدی به صورت فرهنگ و موروثی انتقال یافته و این میراث نیز به جامعه سرایت می‌کند. از این رو مشاهده می‌شود، در قوانین اساسی و مقررات داخلی مصوب مجالس کشورها در عرصه بین‌المللی نیز در قالب تدوین عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، به جایگاه خانواده اهمیت داده می‌شود (محمدزاده اصل، ۱۳۹۵).

توجه به لوازم پایداری اصول در این ساختار بنیادی کوچک، در واقع جهت‌گیری کلی شرع و قوانین موضوعه را ترسیم خواهد کرد که تعریف، انتظارات و ارکان تشکیل و بقای خانواده در آن جای می‌گیرد. برای مثال، با نگاه ساختاری، روابط زناشویی مرهون تساوی و هم‌شأنی بیشتر زن و شوهر در دین و اخلاق دانسته شده (زرعی و عبدالکریمی، ۱۳۸۷، ص ۹۷) و از طرفی در قانون مدنی ایران، برگرفته از فقه اسلام، ریاست خانواده برعهده مرد قرار گرفته و او موظف به پرداخت نفقه و مهریه گردیده است (سادات‌نعمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۲۹).

آنچه باعث پدید آمدن و بقای ساختارها می‌شود، نیاز و ملازم آن نظم حاکم بر ایفا و استیفای حقوق است. لذا دین اسلام نیز هدف و انتظار از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد (حسن‌زاده، ۱۳۹۲). هم‌چنین مکتب اسلام، خانواده را کانون نظم و انضباط، سلسله مراتب، تابعیت و متبوعیت و همکاری، همیاری و وحدت اعضا می‌داند (پنداشته و همکاران، ۱۳۹۷). به طور مثال، اگر فرزند خانواده به درستی تربیت نشده و با آموزه‌های اسلامی در راستای زندگی صحیح آشنا نگردد، قطعاً در مواجهه

با اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، ارزش‌ها و ناهنجارهای جامعه به او سرایت کرده و یا خود یک‌سری از ناهنجاری‌ها را در جامعه رواج می‌دهد و در مجموع، این ناهنجاری‌های فرزندان خانواده‌ها، به مرور زمان جامعه را به انحطاط می‌کشد. در مقابل، اگر در خانواده‌ها، با اولویت‌دهی به موضوع مهم آموزش نحوه درست زندگی به فرزندان، برنامه‌های آموزشی (در ارتباط با رفتار صحیح در جامعه)، ورزشی و تفریحی مناسب، برای آنان تدوین و اجرا گردد، به‌طور حتم فرزندان که از این برنامه‌ها بهره‌مند می‌شوند، می‌توانند تأثیر مثبتی بر جامعه داشته باشند و خدمت‌رسانی و افتخارآفرینی نمایند. در چنین شرایطی، جامعه در مسیر رشد و ترقی قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در آموزه‌های اسلامی و هم‌چنین در جامعه ایرانی، سیاست‌ها و قوانین متعددی در راستای تحکیم و حمایت از خانواده، تدوین و ارائه شده است.

از دیدگاه آیات، روایات و مباحث مطرح‌شده در تدبیر منزل توسط حکمای اسلامی، مسئله مهم و حیاتی در خانواده، نوع روابط و تعاملات افراد از حیث هنجارها و ارزش‌های حاکم در خانه، از جمله نوع تقسیم کار و روابط عاطفی، تعامل اقتصادی و... است. از این‌رو، این نهاد مهم و بنیادین جامعه، برای تحکیم و تقویت و ترقی خود، نیازمند روابط و اصول اساسی می‌باشد که طی فرآیند زمانی به‌وسیله سازوکارهای متعددی، کیان این نهاد را استحکام دهند. در اسلام، از این اصول، به عنوان عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده نیز نام می‌برند.

تحقیق حاضر، ابتدا اصول و بنیان خانواده به مثابه‌ی یک ساختار را برمی‌شمارد، که بدوً لوازم تشکیل یک ازدواج مطلوب و سپس پایدار ماندن آن است. در این اثنا، به شرح ارتباط و نسبت شرع و قوانین در این زمینه پرداخته خواهد شد.

۲- اصول اسلامی بنیادین مؤثر در خانواده

در جامعه، نهادهای مختلف فرهنگی، سیاسی، ساختاری و اداری، اقتصادی، اجتماعی و... هر یک مسئول فرآیند و وظیفه‌ای می‌باشند. در عین حال، خانواده را می‌توان زیربنای همه آن‌ها دانست و از آن به عنوان یک نهاد فرهنگی-اجتماعی و حتی در برخی از موارد اقتصادی - سیاسی نام برد. از طرفی، سبب تقویت نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مسایل خانواده در جامعه می‌گردد. انسان‌ها در زندگی خود در سطح جامعه بر همدیگر تأثیرگذار هستند و این تأثیر در سطح خانواده دارای شدت بیشتری خواهد بود. اعضای یک خانواده، با توجه به روابطشان، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری شخصیت، خُلق و خوی و رفتار همدیگر دارند. از این‌رو، لازم است

عوامل تشکیل و تحکیم خانواده در منابع اسلامی و در مطالعه تطبیقی با برنامه‌ها، قوانین و سیاست‌های مرتبط کشور در این راستا، تشریح شود.

۲-۱- ازدواج (مرحله تشکیل)

اسلام با دعوت به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به یک نیاز ذاتی و طبیعی پاسخ مثبت می‌دهد و متعاقب آن، پیوند زناشویی را عامل اصلی زاد و ولد می‌داند و آن را بقای زندگی و نسل‌های آینده می‌خواند. از طرفی، ازدواج باعث گسترش اجتماع و بهره‌برداری افراد در جامعه می‌شود. آرامش جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و فکری در سایه ازدواج فراهم می‌گردد؛ لذا پیوند زناشویی باید آن‌قدر آگاهانه، هدفمند و قوی باشد که بر اثر عواملی کم‌ارزش، ازهم گسسته نگردد. چنین ازدواجی مایه مباهات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ازدیاد نسل مسلمین خواهد بود و می‌تواند به مصداق «من تزوج فقد احرز نصف دینه...» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶)، نصف دین را تکمیل کند. ازدواجی که سبب ازدیاد مسلمانان با هدف پیروی از سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، گشودن درب‌های رحمت و رضایت الهی، سود و بهره، پاک‌دامنی و حفظ عفاف باشد (بحرینی، ۱۳۷۸). لذا اولین عامل در تشکیل خانواده و ازدواج، بایستی با گام‌های متقن باشد. این اتقان به عهده کیست؟ به نظر می‌رسد مطابق ادله دینی، سرپرستان خانواده و حکمرانان، در کنار خود دختر و پسر، وظایفی در این باره دارند. در قرآن کریم آمده است:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ وَلِيَسْتَعْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... [مردان و زنان] بی‌همسرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند، باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد» (نور/۳۲ و ۳۳).

در این آیه، بنا به دلالت فعل امر «وَأَنْكِحُوا»، به روشنی امر به ازدواج دادن شده و نه ابتدائاً ازدواج کردن افراد. گویی نیازی نبوده تا به یک کشش فطری بین دختر و پسر امر شود، بلکه ضرورت داشته به بسترسازی و تسهیل این عقد مقدس توسط دیگران برای افراد مجرد، تأکید گردد.

بودجه سالانه نیز عمدتاً این تدابیر را ملحوظ می‌دارد، هرچند گاهی این قوانین بالفعل اجرا نمی‌شوند. برای مثال، بند الف تبصره ۱۶ قانون بودجه ۱۴۰۲ تسهیلاتی را برای انعقاد ازدواج تدارک دیده بود که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، میزان توفیق آن‌ها به شرح زیر است:

تسهیلات قانون بودجه ۱۴۰۲ کل کشور در ۴ قسم تسهیلات قرض الحسنه «ازدواج»، «تولد فرزند»، «ودیعہ خرید و جعاله مسکن» و تسهیلات مرتبط با «جهیزیه ایرانی»، و احکام تنظیمی مرتبط است. ۵۷ درصد متقاضیان این تسهیلات قرض الحسنه موفق به دریافت وام خود شده‌اند. بررسی عملکرد شبکه بانکی، نشان از تحقق ۱۳ درصدی منابع تخصیص داده شده به این بند در بانک‌ها دارد که مثبت ارزیابی نمی‌شود. تسهیلات جهیزیه ایرانی در ۸ ماه نخست سال ۱۴۰۲ به دلایلی چون عدم استقبال زوجین، ابهام در مواردی همچون سقف فردی تسهیلات، مدت زمان بازپرداخت، شرایط مشمولین، عدم تفاهم بانک‌های عامل و نهادهای مربوطه، عملاً فاقد تحقق بوده است (ارحامی و باجلان، ۱۴۰۲، ص ۱). از این رو، در عین مثبت بودن فضای تقنینی کمک به تشکیل خانواده، شرایط و تدابیر اجرایی منطبق بر اغراض شرع مقدس، به حمایت کامل منجر نمی‌شود، که نیازمند آسیب‌شناسی است.

۲-۲- محوریت اخلاق

تضمین محوریت اخلاق در روابط یک اجتماع کوچک، از ارکان نامیده شدن آن به خانواده، به معنای اتم و باکیفیت آن است. مراد این نیست که در نهادهایی غیر از خانواده (مانند شرکت‌ها، تعاونی‌ها، احزاب و...) اخلاق مهم نیست، بلکه غلبه اولویت و اصالت و آنچه ستون برپایی و بقای این جامعه کوچک قلمداد می‌شود، وجه تمایز خانواده با دیگر جوامع کوچک است. با توجه به پیشینه نظری اسلام در حوزه اخلاق، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است. بنابراین، انسان جوای کمال و گریزان از ضعف و عیب، طالب حضور در کانونی به نام خانواده و استحکام روابط اعضای آن می‌باشد. به طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پای‌بندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج‌خلقی است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۷). در خصوص داشتن اخلاق نیکو در سطح جامعه نیز تأکید شده است، تحقق این امر در گروی داشتن اخلاق در سطح خانواده می‌باشد. پای‌بندی به اصول اخلاقی در

جامعه، صرفاً زمانی رخ می‌دهد که پای‌بندی به اصول اخلاقی و هنجارهای اخلاقی در سطح خانواده توسط اعضای آن، اتفاق افتاده باشد.

روابط خوب و نیکو در خانواده، در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورات اخلاقی تعیین می‌شود. در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و زنان درباره‌ی خوش، رعایت ادب و احترام، استقبال و مشایعت، قدردانی و سپاس‌گزاری و... می‌توان اشاره کرد؛ که همین اعمال ساده در توصیف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برابر نیمی از اجر شهادت در راه خداست؛ آن‌چنان که در روایتی آمده است: «وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّتْنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شَبَعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرَأَدَكَ اللَّهُ هَمًّا»؛ «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ» شخصی خدمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شرفیاب شد و عرض کرد: «همسری دارم که وقتی به خانه می‌آیم، به استقبالم می‌آید و مرا در بر می‌گیرد؛ و چون از خانه بیرون می‌روم، مرا بدرقه می‌کند؛ و هرگاه مرا غصه‌دار می‌بیند، می‌گوید: چرا غصه می‌خوری؟ اگر برای رزق و روزی غصه می‌خوری، خداوند ضامن رزق و روزی است؛ و اگر برای آخرت غصه می‌خوری، خداوند زیادش کند! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمودند: «خداوند در زمین کارگزارانی دارد که این زن تو یکی از آن‌ها است و خداوند نصف اجر شهید را به او می‌دهد» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۹).

از این دست روایات به‌قدری فراوان است که مبتنی بر آن به‌طور کلی می‌توان گفت از منظر اسلام، استمرار استحکام کيان خانواده و روابط خانوادگی به بسیاری از عوامل نیاز دارد که اخلاق و مراودات نیکو، از اساسی‌ترین آن‌ها است. لذا می‌توان دریافت که میزان محوریت اخلاق در عدم گسست نهاد خانواده، آن را از دیگر نهادهای انسانی متمایز می‌کند. مولفه‌های موجود در خانواده، با این دسته از حقوق و تکالیف اخلاق‌محورانه، به استحکام این کانون مقدس می‌پردازند. به همین منظور، به برخی از احکام فقهی و حقوقی از قبیل حقوق و تکالیف والدین و فرزندان و روابط حاکم بر زن و شوهر در خانواده، با رویکرد اخلاقی پرداخته شده است.

پیامبر عظیم‌الشأن صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی، اصل شایسته بودن نفقه را وظیفه اخلاقی و حُسن معاشرت مردان دانسته‌اند (حرّ عاملی، بی‌تا، ۲۳۰). هم‌چنین ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زن و شوهر را

مکلف به حُسن معاشرت نموده و معاضدت شایسته زن و مرد را در تشدید مبانی خانواده ضروری دانسته است. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، وفاداری زن را یک اصل اخلاقی در راستای استحکام خانواده برشمرده و در آیات نساء/۳۶، انعام/۱۵۱، اسراء/۲۳، عنکبوت/۸، در باب احسان به والدین از طرف فرزندان، محبت و مودت (روم/۲۱) را نیز رویکرد اخلاقی برای حفظ بنیان خانواده مطرح کرده است.

۲-۳- تعیین تکالیف و حقوق زن و مرد

در جوامع بسیاری ملاحظه می‌شود، نظام خانواده با مشکلات و چالش‌هایی مواجه شده که استحکام بنیان آن را به خطر می‌اندازد. یکی از اصول لازم در تحکیم خانواده، که اسلام و حقوق ایران نیز بدان تأکید دارد، وجود و رکنیت چارچوب‌های الزام‌آور برای حفظ کیان خانواده، علاوه بر ضمانت اجرای اخلاقی و عاطفی است. از این رو فقه اسلامی اهداف، برنامه‌ها و وظایف زن و مرد را برای تحکیم بنیان خانواده مشخص کرده است. در این راستا، وضع قوانین و مقررات لازم در جهت آسان‌سازی تشکیل خانواده و شفاف‌سازی شرایط آن، وظایفی هستند که قانون اساسی برعهده دولت گذاشته است. برای نمونه، مشخصاً تعیین کرده است که مرد به عنوان سرپرست و رئیس خانواده (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) و وظایف مختلفی به عنوان همسر و پدر در رشد و تعالی خانواده و تحکیم بنیان آن برعهده دارد و مادر نیز در مقام معاون و یاور او (ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی) علاوه بر وظیفه همسررداری و مادر بودن، وظایف مدیریتی مختلفی ازجمله قناعت، کمک به شوهر، رازداری و پشتیبانی از همسر را برعهده دارد (انهاری، ۱۳۹۵). از طرفی، برای فرزندان نیز وظایفی تعیین شده که در رأس آن‌ها، نیکی به پدر و مادر است و آن را سرلوحه کلیه وظایف می‌داند. به طور کلی، احترام متقابل، وظیفه همگانی اعضای خانواده می‌باشد.

قانون‌گذار در مواد مختلفی ازجمله در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، این اخلاق‌مداری را به عرصه الزامات قانونی کشانده است: «زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند». این مواد قانونی، ارشادی و صرفاً اخلاقی قلمداد نشده و ضمانت اجرای آن‌ها نیز در نشست قضایی مشورتی هیات عالی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ بیان گردیده که عبارت است از: ایجاد یا زوال حق مسکن یا وکالت در طلاق یا طلاق عسر و حرجی، برای زن یا مرد (موضوع مواد ۱۱۱۵ و ۱۱۱۹ و بند ۴ تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی).

۲-۳-۱- زیرساخت‌های حقوقی اصول بنیادین خانواده

توافق عمومی بر سر این‌که نهاد مقدس خانواده، منشاء و بستر اول حرکت تدریجی و ترقی انسان‌ها می‌باشد و سپس باعث پرورش آن‌ها در سطح جامعه می‌گردد، باعث شده است جهت حمایت از آن، اصول، سیاست‌ها و قوانینی مطرح گردد که بخش عمده‌ای از آن، جزو وظایف حکومت اسلامی می‌باشد. با توجه به این‌که مفهوم خانواده و اصول آن در عصر جدید، با سایر اعصار متفاوت شده، لذا مقتضی است، متناسب با زمان و مکان و در جهت تحکیم آن از نظر حقوقی، تأسیس‌های قانونی انجام شود. مقننین قانون اساسی جمهوری ایران، با تأکید بر اهمیت این موضوع، در اصول متعدد، تلاش در ارج نهادن به این نهاد اجتماعی مقدس داشته و مجلس شورای اسلامی و سایر سازمان‌های متکفل سیاست‌گذاری‌های عمومی را مکلف نموده‌اند تا با وضع و تدوین مقررات موضوعه، این نهاد عالی را متعالی سازند.

در اصل ۱۰ قانون اساسی، خانواده را یک واحد بنیادین جامعه معرفی کرده و بیان داشته است: کلیه قوانین مربوط، باید در جهت حفاظت از قداست و پایداری اصول خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در اصل ۲۰، تساوی حقوق زن و مرد در جامعه در کلیه زمینه‌ها و در اصل ۲۱، حمایت از حقوق زنان در خانواده و جامعه، مورد اشاره قرار گرفته و ایجاد دادگاه صالح را برای حفظ کيان و بقای خانواده، ضروری دانسته است. این بدان هدف است که زن به عنوان یکی از پایه‌های تکوین و بقای خانواده، به استناد این اصول حمایت گردد. از طرفی، در چند بند از سند چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، و ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه‌های چهارم توسعه، به تقویت نهاد خانواده و اصول آن توجه ویژه‌ای شده است.

فلسفه ایجاد زیرساخت‌های حقوقی توسط حاکمیت اسلامی برای حمایت از تشکیل و سپس تحکیم خانواده، وجود و بروز مسائلی در خانواده هستند که مقوم یا تضعیف‌کننده اصول و بنیان خانواده به‌شمار می‌آیند. برخی از این مسائل که به‌طور مشترک در اسلام (فقه اسلام) و حقوق ایران به آن‌ها پرداخته شده، ازدواج (دائم-موقت)، شرایط نکاح، جایگاه زن در خانواده، تکالیف و حقوق زن و مرد، شروط ضمن عقد، تمکین، نفقه، طلاق و هستند، که هر کدام آثار خاصی بر نظام حقوق و تکالیف مرتبط دارند.

برای نمونه، رضایت دو طرف، شرعاً شرط نفوذ عقد نکاح است. رضایت ولی برای دختر (باکره) زمانی مدنظر است که دختر رضایت داشته باشد و عدم رضایت از سوی پدر بدون دلیل موجه، ساقط می‌باشد. این مورد در فقه اسلام «عضل» نامیده شده است (طوسی، ۱۴۰۰، ۴۵۶).

طبق ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی نیز، بنا به عدم حضور پدر در محل عقد و بنا به شرطی که دختر به ازدواج نیاز داشته باشد، این اجازه به دختر داده می‌شود که با اثبات امر در دادگاه، ازدواج نماید؛ این ماده، آزادی عمل بیشتری در حق انتخاب، به دختر داده است.

در نمونه‌ای دیگر، درباره وجوه «ازدواج دوم زوج و گواهی عدم امکان سازش» که در واقع، تعارضی بین حقوق منبعث از شرایط ضمن عقد و حق زوج در انتفاع از مزایای رابطه زوجیت است، بایستی حاکمیت زیرساخت حقوقی ایجاد نماید که در این باره، نشست قضایی ۱۳۸۳/۰۷/۰۵ بیان می‌دارد:

«نظر به این که طبق بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده، از وظایف دولت محسوب شده است، که بر اساس این اصل، تکلیف محاکم آن است که حتی المقدور از متلاشی شدن خانواده‌ها پیش‌گیری کنند؛ لذا شرط ضمن عقد نکاح را باید در جهت و با هدف تشدید مبانی خانواده و حفظ حقوق زوجین تلقی کرد... از این رو، در تعارض بین تخلف یک اصلی که اطاعت و تمکین زن است و دیگری فرعی که شرط ضمن عقد است، اصل مناط اعتبار بوده و فرع کاربردی نخواهد داشت».

نیک واضح است که تشخیص مصالح و حل چنین مسائل و نزاعات خانواده را، نمی‌توان بدون تعیین و تعین حقوق و تکالیف با پیش‌بینی زیرساخت‌های حقوقی، به خود افراد سپرد. قوانین بین‌المللی در مورد تعدد زوجات ساکت بوده و طبق ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، حق ورود به ازدواج، یکسان مطرح شده است. این در حالی است که در متون فقه اسلامی، چندهمسری برای مرد، تحت شرایطی قابل قبول می‌باشد؛ بدین صورت که حداکثر چهار همسر با ازدواج دائم و بدون محدودیت در ازدواج موقت، ترسیم شده است. قانون مدنی ایران در این خصوص حکمی ندارد، اما در قانون حمایت از خانواده تأکید شده که ازدواج مجدد مرد با داشتن زن، باید محدود و صرفاً تحت شرایطی جایز باشد. صرف‌نظر از مواد قانونی، با توجه مبانی قرآنی و فقهی، اصل در نظام خانواده بر دائمی بودن ازدواج و تک‌همسری می‌باشد که از این طریق، بتوان بنیان و کیان خانواده را حفظ نمود. امام خمینی^{قدس سره} نیز فرموده‌اند: «رسیدگی موکول است به محاکم صالحه در جمهوری اسلامی، و تا شرعاً ثابت نشود که عقد انقطاع خوانده شده، حکم عقد دائم مترتب می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۶۰۵).

شمار دیگری از زیرساخت‌های حقوقی تحکیم خانواده، توجه به متغیرهایی است که گرچه ذاتاً ارتباطی به تشکیل خانواده ندارند، ولی قطعاً با تأثیرات اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی، می‌توانند به زوال امنیت روانی یا تزلزل در خانواده بیانجامند. برای مثال، در فقه اسلام، نکاح مسلمان با غیرمسلمان جایز نیست (علامه حلی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲۳)؛ در حالی که قانون مدنی کشورمان، نسبت به ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان، با وجود دلالت ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی مبنی بر ممنوعیت ازدواج زن مسلمه با مرد غیرمسلمه، و همچنین سکوت درباره انفساخ عقد نکاح پس از مسلمان شدن زوجه و بقای زوج بر کفر (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸)، ساکت است. بنابراین، در بسیاری از این شقوق و امثال آن، می‌توان به منابع فقهی رجوع نمود.

این زیرساخت‌های حقوقی برای تحکیم ازدواج، در جاهای مختلف دیگری در حقوق ایران، قابل جست‌وجو است. مطابق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است». منظور از اجازه دولت، در واقع همان زیرساخت‌های حقوقی است. دولت بایستی مصلحت طرفین و جامعه را از تشکیل چنین خانواده‌ای احراز نماید. برای مثال، شورای عالی قضایی در بخشنامه‌ای با عنوان «ضوابط و مقررات ازدواج اتباع خارجی با زنان» در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۱۸ بعد از اجلاس ۴۰۶-۱۶.۱۲.۶۶، خطاب به کلیه مقامات قضایی سراسر کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک اعلام داشت:

«اطلاعات واصله به شورای عالی قضایی، حکایت از این دارد که عدم رعایت مقررات مربوط به ازدواج اتباع بیگانه با زنان ایرانی، مشکلات بسیاری را برای این زنان و خانواده آن‌ها و اطفال ناشی از این ازدواج‌ها فراهم آورده است؛ لذا لزوماً متذکرمی‌گردد ... قوانین مربوطه باید دقیقاً اجرا و رعایت شوند» (قوانین مربوطه عبارت‌اند از: مفاد ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ و ماده ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ مبنی بر غیرمسلمان نبودن مرد و تعقیب کیفری افرادی که اذن از دولت اخذ نکنند).

از این‌رو، به‌طور کلی زیرساخت‌های حقوقی برای اصول تحکیم خانواده، در اسلام و قوانین و مقررات کشورمان وجود دارد.

۲-۴- قوانین و سیاست‌های حمایتی از بنیان خانواده

قوانین جمهوری اسلامی ایران، سعی دارد از خانواده در مقابل کاستی‌ها و آسیب‌های اجتماعی محافظت و حمایت نماید. در اصل ۱۰ قانون اساسی آمده است: «از آن‌جا که خانواده واحد بنیادی

جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». تعدد سیاست‌ها، قوانین و لوایحی که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با نهاد خانواده ارائه شده‌اند، شاهدی بر این ادعاست (حسینی و عزیزی، ۱۳۹۵، ص ۷).

قوانین و برنامه‌ها و سیاست‌های متعددی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای تحکیم بنیان و اصول اساسی خانواده وضع و تدوین گردیده و برخی از آنان به اقتضای زمان نیز اصلاح گردیده‌اند. در سال ۱۳۶۱، اصلاحات در خصوص ممنوعیت نکاح نابالغ، نکاح دختر با اذن ولی، شرایط قیمومیت... مطرح و وضع گردید. در خصوص تحکیم مبانی خانواده، در سال ۱۳۶۲، برنامه‌ای تحت عنوان خدمت نیمه‌وقت بانوان با هدف مساعدت در جهت برقراری تناسب میان اشتغال و خانواده، تصویب شد. در سال ۱۳۶۳ در راستای حمایت از حقوق زن در خانواده، بحث اجباری بودن نفقه در صورت وجود آن، مورد بررسی قرار گرفت. در خصوص حمایت بیشتر از اصول خانواده در قانون استخدام کشوری و بازنشستگی، در مرخصی‌ها و سابقه خدمت زنان برای بازنشستگی توجه ویژه‌ای شده است. هم‌چنین در سال ۱۳۷۵ قانونی تحت عنوان بازدارندگی از جرائم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، در راستای حمایت از حقوق شرعی ازدواج و خانواده تصویب گردید. در سال ۱۳۸۳ دو سیاست کلی در راستای تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن و تسهیل اشتغال و ازدواج و مبارزه با آسیب‌های مبتلا به جوانان تدوین شد. طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ نیز سیاست‌ها، آیین‌نامه و طرح‌های اجرایی و قوانین دیگری در راستای تسهیل ازدواج، حمایت از حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان، تقویت نهاد خانواده، تداوم کارکرد الگوی اسلامی و ایرانی خانواده، تدوین و وضع شده است که همگی، نشان از اهمیت اصول بنیادین خانواده در جامعه ایرانی دارد.

در میان اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی «خانواده» ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵ به ابعاد مهمی از این سیاست‌های حمایتی اشاره دارد که بسیاری از آن‌ها فعلاً در عمل، مطمح نظر قرار نگرفته است. برای مثال، در راستای ضرورت تشکیل خانواده، تشویق و تسهیل ازدواج زنان سرپرست خانوار (بند ۱۴ سیاست‌های کلی خانواده) مورد تأکید واقع شده، اما در عمل در بعد فرهنگی و... کنش خاصی مشاهده نمی‌شود.

۳- نتیجه‌گیری

اسلام، خانواده را مرکز تعالی روحی و مادی و محوریت تحکیم آن را مودت و اخلاق می‌داند و با وضع حقوق و تکالیف اخلاق‌مدارانه متقابل برای زن، مرد و فرزند، سعی در حفظ بنیان و اصول خانواده داشته است. قوانین مدنی و حقوقی ایران نیز مبتنی بر فقه اسلام، همین رویکرد را اتخاذ کرده‌اند. هماهنگی احکام و قوانین مربوط به ازدواج، با یکدیگر و تناسب آن‌ها با واقعیت‌های تکوینی موجود در زن و مرد، چهره فقه شریعت اسلام را موجه می‌سازد. در خصوص قوانین ایران، چون اختلافی در مبانی با شریعت اسلام وجود ندارد، تربیت و سلوک و تحکیم بنیان خانواده تا حد امکان به این جهت‌گیری پای‌بند می‌باشد.

در این مقاله، عوامل مؤثر بر تشکیل و تحکیم خانواده از دیدگاه آموزه‌های اسلامی مورد بحث قرار گرفت. خانواده به مثابه ساختار منسجم مبتنی بر نیازهای مادی و معنوی و الهی، برای نیل به یک میثاق غلیظ، نیاز به اسباب و تجهیزاتی در تشکیل، تضامینی از جنس اخلاق و مودت، تعیین این تضامین در ساحت حق و تکلیف، و هم‌چنین حمایت‌های قوای حکومتی دارد. این چهار محور به استناد برخی آیات و روایات و یا احکام فقها تشریح شدند و سپس قوانین مرتبط که برخاسته از فقه اسلامی یا در راستای اهداف آن می‌باشد، تبیین گردید. در نهایت، با مذاقه در در مورد محتوا و اهداف اصول بنیادین خانواده از دیدگاه حقوقی و فقه اسلامی، یافته‌های تحلیلی نشان داد:

برنامه‌ها، قوانین و سیاست‌های ایران در حوزه خانواده و بنیان آن، به‌جز در موارد اندکی، همسو با آموزه‌های اسلامی به خصوص فقه است. بخشی از سیاست‌ها و قوانین زیرساختی و حمایتی مع‌الأسف در مقام اجراء مقتضای تحقق‌شان پدید نیامده یا ناقص اجرا شده‌اند. برای مثال، حمایت از زنان بی‌سرپرست که جزو برنامه‌های جمهوری اسلامی (کمیته امداد امام خمینی ^{قدس‌سره}) می‌باشد، گرچه توانسته از برخی آسیب‌های اجتماعی در جامعه جلوگیری نماید، اما برای ازدواج آنان، گام مؤثر و متقنی در امور اجرایی مشاهده نمی‌شود.

مسئولان ذی‌ربط با نهاد خانواده، در کلیه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی، راه‌کارهایی را در قالب برنامه/سیاست/قوانین وضع نموده‌اند، که بتواند اصول و بنیان خانواده را حفظ کرده و خانواده را از گزند آسیب‌های اجتماعی در امان قرار دهد؛ اما بسیاری از

آن‌ها متناسب با نیاز نبوده و به نحو مرتب در حال پی‌گیری و تحقق نمی‌باشند. برای مثال، وزارت ورزش و جوانان، امکان ۳ الی ۵ جلسه مشاوره قبل از ازدواج را برای جوانان، به نحو تیرعی فراهم کرده است، اما به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی و عدم الزام قانونی به آن، استقبال درخوری وجود ندارد. لذا در جامعه‌ای که جوانان بدون مشاوره و آموزش مهارت‌های لازم، وارد زندگی مشترک شوند، مستعد دچار شدن به انواع چالش‌ها در شروع و ادامه زندگی خواهند بود. سیاست اقتصادی و برنامه مالی برای ازدواج جوانان نیز کم و بیش به نقایصی متناظر، دچار است که موجب پدید آمدن نسل مجرد پیر خواهد شد.

با توجه به این‌که بخش اعظم این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و نقل از منابع کتابخانه-ای بوده است، یک تحقیق پیمایشی و نظرسنجی در بررسی عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده، امری مطلوب خواهد بود. موضوع و محور این تحقیقات می‌تواند، سیاست‌سنجی و اقدام‌پژوهی سیاست‌های موجود قرار گیرد. برای مثال، سهم تأثیر نهادهای حاکمیتی در نقش‌آفرینی بابت مدیریت آسیب‌های اجتماعی در متزلزل کردن اصول بنیان خانواده‌ها، مدیریت فضای مجازی و مخاطرات آن مانند اعتیاد به فضای مجازی، مسائل نوجوانان و جوانان و... از جمله موضوعات مهم و قابل تحقیق و پژوهش است.

منابع

- قرآن کریم
- ۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۲. ارحامی، آسیه، باجلان، اکرم، ارزیابی عملکرد بند «الف» تبصره (۱۶) قانون بودجه ۱۴۰۲ کل کشور: تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و تولد فرزند، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲ش.
- ۳. انهاری، کیهان، نقش و وظایف مدیریتی زن و مرد در تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه فقه اسلامی، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۵ش.
- ۴. بحرینی، زهرا، فلسفه ازدواج در اسلام، نشریه دیدار آشنا، شماره ۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸ش.
- ۵. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: طریق القدس، ۱۳۶۱ش.
- ۶. بی‌باک، فرشید، پورمعروف، محمد، نجاری، مسعود، مولانایی، گلاله، نقش مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی، نخستین همایش پژوهش در روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران، تهران، ۱۳۹۶ش.
- ۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تحقیق: ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۸. حسن‌زاده، صالح، عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۹۲ش.
- ۹. حسینی، سیدحسن، عزیزی، مینا، بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۵ش.
- ۱۰. (علامه) حلّی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۸ش.

۱۱. خاکی، مینو، خلاء مشاوره قبل از ازدواج در قانون حمایت خانواده، نشریه خانواده درمانی کاربردی، شماره ۳، پایپ ۱۲، ۱۴۰۱ ش.
۱۲. زراعی، محمدمهدی، عبداللهی، عبدالکریم، جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق موضوعه، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال ۴۰، شماره پایپ ۸۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ش.
۱۳. سادات نعیمی، طاهره، خادمی، مریم، موسوی مقدم، سیدمحمد، مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۴. شجاعی، محمدحسین، رحمان سرشت، حسین، بررسی تأثیر نوع دوستی و تعارض در رابطه بر قابلیت یادگیری سازمانی در کارکنان دانشگاه علامه طباطبایی، نشریه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، شماره ۱۰، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۱۷. محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. محمدزاده اصل، محمد، تحکیم نهاد خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تحقق حقوق شهروندی، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، ۱۳۹۵ ش، قابل دسترسی در: <https://sid.ir/paper/893250/fa> SID.
۱۹. (امام) موسوی خمینی، سیدروح‌الله، استفتائات (کتاب النکاح)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ^{قدس سره}، ۱۳۹۲ ش.

The compatibility of family principles and foundations in Islam and Iran's legal policy

Amir Zulfiqarian

Seyyed Hossein Hosseini

Parisa Nejadi

Abstract

In Islam, the family is as one of the prerequisite for survival of Islamic societies and the creator of social, political, economic, and other sub-systems. What of the goals and indicators, which causes the formation of a family, and its survival and its distinction from other human organizations are considered to be rooted in the material and spiritual needs of man, it forms the principles and foundations of the family. In Iran, based on Islam, many civil laws and general policies have been established in order to consolidate and strengthen the family. This article examines and compares the principles and foundations of the family from the perspective of Islamic jurisprudence and what is provided in Iranian law. The main problem of this research is to examine and compare the compatibility of the current policies and laws of the Islamic Republic of Iran with the teachings of Islam. This research was done with descriptive-analytical method and referring to library sources.

Keywords: Family principles, Islamic teachings, Iranian law, general policies, Islamic system.